

ویژه نامه اردوی پیاده روی نجف - کربلا
ستاد دانشجویی
اربعین ۱۴۳۷



والدین ایسلا

And the night when it passes away...



محل اسکان در شهر نجف

محل اسکان افراد کاروان راهیان فجر در شهر نجف در چهار حسینیه خواهد بود که موقعیت این حسینیه‌ها نسبت به حرم امیرالمؤمنین علیه السلام در نقشه زیر نشان داده شده است (دایره‌ها):



اللهم صل على فاطمه و ابيها و بعلمها و بنيتها اربعين، ميراث زينب عليها السلام

وقتی در بازگشت از شام ، دوباره قصد کربلا کرد و به زیارت قبر برادرش آمد، کسی تصور نمی کرد با این اقدام، عاشورا تجدیدپذیر شده باشد و با یک سفر دقیق، به موقع و مؤثر، قابلیت آن را یافته باشد که همه ساله برپا شود. از آن روز به بعد یک عاشورای سال ۶۱ داریم و یک اربعین! یک عاشورای همه ساله داریم و یک اربعین همه ساله! یک حادثه عاشورا داریم و یک مراسم و ذکر

عاشورا! دقیق تر این است که بگوییم او با به نقطه عطف رساندن مفهوم زیارت، این امکان را به همه لحظات داد که عاشورا باشند. او قدرت داشت تا مانند مسیح که از گل پرنده می ساخت و در آن می دمید و پرنده جان می گرفت، مخلوقی با ماهیت و شاکله جمع بسازد. اربعین یعنی تکرار عاشورا برای همیشه و هر بار!

آرام آرام به سوئے فجر

امام صادق عليه السلام می فرمایند:

«اقرأ سورة الفجر في فرائضكم و نوافلكم، فانها سورة الحسين بن علي عليه السلام من قراءها كان مع الحسين في درجته من الجنة»
سوره فجر را در نمازهای واجب و مستحب خود بخوانید، چرا که آن، سوره حسین بن علی عليه السلام است. هر کس آن را بخواند، در بهشت همراه حسین و در رتبه و درجه او خواهد بود.

اما؛

حساب جلوه تمام های خدا کجا با انسانی که دائما در معرض خسران است، حساب علم الله کجا با بشری که حتی نسبت به جهل خودش هم جهل دارد، حساب پسر فاطمه و علی کجا با انسانی که غفلت و نسیان با طبعش اکنده است، حساب حسین کجا با ما...

رزمنده که باشی در جمع اصحاب حسین قرار می گیری، آنوقت است که حسین می شود امیرت و تو می شوی غلام حسین، رزمنده که باشی، سیاه هم که باشی، جان که می دهی حسین خودش را به بالینت می رساند و سرت را به دامن می گیرد، و اینچنین است که رزمندگی می شود اسباب جمع و همنشینی همین ما، با آن حسین عليه السلام.

سوره فجر را که می خوانی، سیر پیدای کنی از ظلمات محض تنهایی، تا پیوستن به نور و روشنایی مطلق. به برکت این سیر، مسیرت مقدس است؛ آن سان که همیشه معرکه نبرد عقل با جهالت، قداست دارد. آرام و اطمینان یافته ای و به آرامی در این معرکه از کنار عاد و ثمود و فرعون، آنهایی که طغیان و فساد کردند و غافلگیر شدند، عبور می کنی و اجتناب می کنی از عاقبتی که با شلاق عذاب توصیف می شود. سوره فجر را که می خوانی، وقتی مجاهدانه می خوانی، آرام و اطمینان یافته ای

زائرین باشد اینست:

(۱) سعی کنید حین پیاده روی آب سرد ننوشید. یک لیوان آب را یکبار سر نکشید. اگر احساس تشنگی دارید ابتدا آب را در دهان قرقره کرده و خارج کنید و اگر با این کار خشکی دهان و تشنگی برطرف نشد جرعه جرعه آب بنوشید و حتی المقدور آب سرد نباشد. آب سرد نوشیدن حین پیاده روی باعث آسیب به بدن می شود.

(۲) سعی کنید از غذاهای ایرانی و مشابهه غذایی که مصرف می کردید بخورید.

(۳) فقط به اندازه نیاز غذا بخورید و از تمام غذاها حتی به مقدار کم استفاده نکنید. بنا را برای رفع نیاز اولیه بدن بگذارید و مثل همیشه بیشتر از دو

تا سه وعده غذا نخورید آن هم به قدری که تا هنوز کاملاً سیر نشده اید دست از غذا خوردن بکشید.

(۴) چند نوبت غذا خوردن و استفاده از چند نوع غذا در یک نوبت در طول پیاده روی بسیار مضر است و باعث ایجاد مشکل در بدنتان می شود.

(۵) در طول مسیر پیاده روی ماهی نخورید یا بشدت کم مصرف کنید.

(۶) بعد از خوردن غذا حداقل بیست دقیقه تا نیم ساعت استراحت کنید و بعد پیاده روی را ادامه دهید.

(۷) از خوردن لوبیای پخته در طول مسیر جدا خودداری کنید.

(۸) چایی موکبها عشق است و خوردنی! ولی فراموش نکنید قرار نیست در هر موکبی چایی نوشید به بهانه در شدن خستگی، به فکر بدنتان

باشید و برای بهره بردن بیشتر از این سفر پربرکت روزانه بیشتر از دو تا سه چایی میل نکنید.

(۹) در طول سفر تنها از آب آشامیدنی پلمب شده استفاده کنید.

• نکات بعدی در مورد خواب و چگونگی شروع پیاده روی است.

(۱) پیاده روی شبانه اصلاً به صلاح بدنتان نیست. قرار است بهره معنوی ببرید نه به بدنتان ضربه بزنید! مسلمان روح متعالی در بدن ناسالم حاصل نمی شود.

(۲) بلافاصله بعد از بیدار شدن از خواب، پیاده روی را شروع نکنید، به بدن فرصت بدهید تا با جمع کردن قوا آمادگی پیدا کند و از همان ابتدا هم سریع راه نروید.



و محاسبات غلط از آب در نمی آید؛ هر گشایش و تنگی در زندگی را به حساب کرامت و اهانت خداوند نمی گذاری، پس به خداوند حسن ظن پیدا می کنی و این حسن ظن در برخورد تو با یتیم و مسکین و میراث و مال دنیا، جلوه گر است. این سوره را که می خوانی، مجاهدانه که می خوانی، قیامت را با همه هیبتش برپاشده می یابی، آرام و مطمئن به انقلاب آفرینش، انقلابی می شوی؛ حاکمیت پروردگار و صفوف ملائکه را به معاینه می بینی، پس برپایی و حفظ حکومت حق برایت مهم می شود، و جهنم را با تمام دهشت و خطرش که آورده می شود، نزد خود حاضر می یابی، پس مسئولیت پذیر می شوی؛ و اینگونه است که برای حیات حقیقی ات، مهیا شده ای. این سوره را که می خوانی تو را نفس مطمئنه خطاب می کنند. که باید بسوی پروردگارش راضیه و مرضیه باز گردد و ملحق به بندگان و داخل در بهشت او شود. این سوره را که می خوانی با حسین علیه السلام هستی و در درجه او، آرام و مطمئن، آنسان که گدایی و شاهی مقابل نشینند...

پس بسم الله...

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَالْفَجْرِ. وَ لَيَالٍ عَشْرٍ. وَ الشَّفْعِ وَ الوُتْرِ. وَ اللَّيْلِ إِذَا يَسِرُ. هَلْ فِي ذَلِكَ قَسَمٌ لِذِي حِجْرِ﴾

خداوند در ابتدای سوره ی فجر به بسیاری از پدیده های باشکوه و عظمت خود مثل فجر، شفق و وتر قسم می خورد؛ تابگوید آیا در این ها، نشانه و حجتی برای صاحبان حجر نیست؟!

حجر به معنای سنگ است و ذی حجر یعنی صاحب سنگ چین؛ و این بیانی است برای انسان عاقل. چراکه او برای تک تک کارهایش و در برابر تک تک انسانها سنگ چینی می کند، مرز و حدودش را می شناسد، آن را استوار می سازد و برای صیانت از آن قیام میکند؛ سنگ چینی می کند به معنای اینکه نمی گذارد از حدود الهی رد شود.

جدال اصلی حضرت سیدالشهدا علیه السلام در کربلا نیز بر پا نگه داشتن حدود الهی بود. در واقع ایشان قیام کردند تا حدود شریعت حضرت محمد (صلوات الله علیه) را که نابود یا دچار انحراف شده بود، زنده کند و از این رو است که وقتی دشمن نهایت سفاکی خود را بروز می دهد، امام فریاد بر می آورند که «اگر دین ندارید لاف اقل آزاده باشید».

در واقع امام حسین علیه السلام نه فقط برای حدود دینی، بلکه برای احیای تمامی حدود حتی در پایین ترین سطح انسانی آن قیام می کند و از این روست که شش ماهه اش را بر سر دست گرفته، به وسط سپاه دشمن می برد که به آنها بگوید حداقل «م عصومیت کودک» را نگه دارید؛ چرا که بعضی از این خط قرمزهای انسانی مقدمه التزام به حدود بزرگتری هستند؛ مثل ماجرای «حر» که رعایت حد ادب، او را عاقبت به خیر می کند. به بیان دیگر رعایت یک حد ظاهری از او دستگیری می کند تا حدود الهی را نشکند.

برگردان کربلا در سوره فجر شناخت این حدود و سپس تعریف آنها در میان ریز و درشت اعمال، از حدود انسانی، اخلاقی و خانوادگی مانند دروغ، کم فروشی، غیبت، تهمت و ... گرفته تا حدود دینی و ولایی مانند حدودی که خود سوره به آن اشاره می کند یعنی خط قرمز ایتم و مساکین عالم است. افراد به اندازه ای که حد نگه دار بوده و به اقامه حدود التزام داشته باشند، در سپاه امام حسین علیه السلام حضور دارند و به هراندازه که از این حدود تخطی کنند، در سپاه مقابل ایستاده اند. یادمان باشد امام حسین علیه السلام قتیله زنده نگه داشتن خطوط قرمز جامعه اسلامی هستند... لبیک یا حسین

﴿أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِعَادٍ. إِرْمَ ذَاتِ الْعِمَادِ. الَّتِي لَمْ يُخْلَقْ مِثْلُهَا فِي الْبِلَادِ. وَ هُمُودَ الَّذِينَ جَابُوا الصَّخْرَ بِالْوَادِ. وَ فِرْعَوْنَ ذِي الْأَوْتَادِ. الَّذِينَ طَعَنُوا فِي الْبِلَادِ. فَأَكْتَرُوا فِيهَا الْفَسَادَ. فَصَبَّ عَلَيْهِمْ رَبُّكَ سَوْطَ عَذَابٍ﴾

عاد، همود و فرعون. سه قوم استثنایی که هر سه نماد قدرت اند. قوم عاد که سرزمینی بود که مردمش شهرشان را با ستون

نکات سفر

• یکی از مهم ترین نکاتی که در تمام طول سفر انتظار می رود تک تک افراد نسبت به آن اهتمام داشته باشند، همراه بودن افراد با مسئولین کاروان و حفظ نظم است. افراد سرگروه موظفند در مسیر پیاده روی موقعیت استقرار کاروان در ساعت های مختلف شبانه روز را به همگروهان خود اعلام کنند و افراد نیز موظفند در این رابطه اطلاعات لازم را از سرگروه خود بپرسند.

• برای هر یک از افراد گروه کارت شناسایی همراه با مشخصات کامل تهیه شده است. در تمام طول سفر این کارت را به همراه داشته باشید و آن را از خود جدا نکنید.

• لطفا بدون هماهنگی با سرگروه خود از گروه خارج و در موکبی استقرار پیدا نکنید.

• لطفا به زمان ها و برنامه های اعلام شده توسط سرگروهها توجه لازم را داشته باشید. مسئولین کاروان با زحمات شبانه روزی و بی دریغ تمام تلاش خود را برای انجام یک سفر با برنامه انجام داده اند. بدیهی است با توجه به تعداد زیاد افراد کاروان، اجرای این برنامه ها مستلزم همکاری تک تک افراد و حضور به موقع در مکان های اعلام شده است.

• هر سفری سختی های مخصوص به خود را دارد و طبیعی است با توجه

به شرایط کشور عراق، ازدحام بیش از حد جمعیت و نبود امکانات کافی به ازای آن ها و نیز شرایط پیاده روی، سختی های این سفر بیش از سفرهای دیگر است. پس با داشتن دید کافی و آگاهی مناسب از شرایط، انتظارات خود را معقول کنید تا از لذت سفر محروم نشوید.

• اگرچه در موکب های مسیر سعی شده است تمامی نیازهای زوار به بهترین شکل پاسخ داده شوند، اما به هر صورت کمبودهایی از قبیل شرایط استحمام وجود دارد. در صورت بروز چنین کمبودهایی لطفا نهایت همکاری و درک متقابل را داشته و نوبت را به افرادی بدهید که نسبت به شما شرایط اضطراری دارند.

• در روابط اجتماعی با شهروندان عراقی، ماموران، خادمان حرم، رانندگان و ... همواره مشترکات دینی را مدنظر قرار داده و از بحث و جدل با آن ها و طرح مسایل جدل آمیز بپرهیزید.

• لطفا و لطفا و لطفا در صورتی که افراد در رابطه با مسایلی چون جمهوری اسلامی، مقام معظم رهبری، مسایل هسته ای و ... هم نظر با شما نبودند از بحث کردن و جدل با آن ها بپرهیزید

• طبق تصمیم مسئولین، حرکت کاروان پیاده روی بعد از نماز صبح آغاز می شود و حدود یک ساعت قبل از

غروب آفتاب افراد کاروان (خانم ها) در موکب تعیین شده توسط مسئولین مستقر می شوند. به گروه آقایان نیز پیشنهاد می شود قبل از غروب آفتاب در یک موکب مستقر شوند تا با مشکل کمبود فرصت بسیار مغتنمی برای آشنا و هم صحبت شدن با افراد دیگر ملیت ها و کاروان ها است که می تواند بهترین خاطرات زندگیتان را برای شما رقم بزند.

• تلفن همراه خود را در اختیار افراد ناشناس قرار ندهید.

• هنگام شروع پیاده روی سعی کنید کمر و پاها را گرم نگه دارید. این گرم نگه داشتن میتواند با چرب کردن این نواحی باروغن بابونه باشد که بشدت در خسته و دچار آسیب نشدن موثر است و اگر دسترسی به روغن بابونه ندارید حداقل این نواحی را بپوشانید تا در معرض هوای سرد قرار نگیرد.

• حتی الامکان از تشریف به حرم در زمان های پیک شلوغی بپرهیزید. توجه و رعایت این نکته به خصوص برای خانم ها امری ضروری است چرا که با توجه به ازدحام جمعیت در این ساعات، اختلاط بین خانم ها و آقایان اجتناب ناپذیر است.

• در طول مسیر موکب هایی برای پذیرایی و استراحت وجود دارد. نکاتی که در این زمینه باید مورد توجه

های محکم و بی ماندی ساخته بودند؛ و نمود، که از دل صخره ها قصرهای بزرگ و بی مانند می تراشیدند و فرعون، با هیبت سپاهیان اش .

هرسه این اقوام که در اوج قدرت و علم و ثروت بوده اند در یک ویژگی مشترکند: طغیان!

و طغیان یعنی رد شدن از خط قرمزها و حدود را رعایت نکردن.

و ثمره ی طغیان فساد است و در نهایت عذاب الهی را در پی دارد.

﴿إِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمُرْصَادِ﴾

خداوند پس از قسم های استثنایی سوره و نمایش انسانهای «حد ننگه دار» و اقوام «حدود شکن»، آیه ای می آورد که منظر سوره است: خداوند در کمین و در حال رصد کردن است.

این هشدار «رصد» هم برای آنان است که حدود را می شکنند که بگوید خدا ناظر کم ترین لغزشهاست و هم این هشدار شامل مومنین می شود که ای انسان مومنی که رنجی را برای حفظ حدود و برای رضای من تحمل میکنی، من تو را می بینم و از نظرم پنهان نمی مانی.

﴿فَأَمَّا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ وَ نَعَّمَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَكْرَمَنِ. وَ أَمَّا إِذَا مَا ابْتَلَاهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَهَانَنِ﴾

چه می شود که انسانی حدود را گم میکند؟ یا حدود شکن می شود؟ ریشه ی اصلی برمبگردد به آنجا که انسان برای خود شایستگی قائل میشود و باعث میشود که انسان همه چیز را با محور «خود» بسنجد. و این، نقطه زمین خوردن و سقوط انسانست! این انسان اگر با نعمت خدا آزموده شود، بی توجه به فضای ابتلا خود را دارای «شانی» میدانند که خدا به او اکرام کرده است و در ابتلای به نعمت هم گمان میکند که رب او به او «اهانت» کرده است؛ و همین انسان خدایش را محدود به دادن ها میکند. درحالی که در دادن و ندادن او ابتلای بندگانش جاری و حتمی ست.

﴿كَلَّا بَلْ لَا تَكْرُمُونَ الْيَتِيمَ. وَ لَا تَحَاضُونَ عَلَىٰ طَعَامِ الْمَسْكِينِ. وَ تَأْكُلُونَ التُّرَاثَ أَكْلًا لَمًّا. وَ نُحِبُّونَ الْمَالَ حُبًّا جَمًّا﴾

توجه به یتیم و مسکین، قطعی ترین راه برای حفظ خضوع در برابر حدود الهی ست.

اکرام یتیم یعنی یتیم را عزیز بداری؛ یعنی حتی اگر کاری هم نمی شود برای بهتر شدن وضع او کنی دغدغه اش را داشته باشی؛ نگران او باشی. خیال یتیمان و مسکینان جامعه ات راحت باشد که تو در هر جایگاهی که هستی، آنها را به یاد داری.

﴿كَلَّا إِذَا دُكَّتِ الْأَرْضُ دَكًّا دَكًّا. وَ جَاءَ رَبُّكَ وَ الْمَلَائِكُ صَفًّا صَفًّا. وَ جِيءَ بِيَوْمٍ ذِكْرًا يَوْمَئِذٍ بِجَهَنَّمَ يَوْمَئِذٍ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ وَ أُنَىٰ لَهُ الذِّكْرَىٰ. يَقُولُ يَا لَيْتَنِي قَدَّمْتُ لِحَيَاتِي. فَيَوْمَئِذٍ لَا يُعَذِّبُ عَذَابَهُ أَحَدٌ. وَ لَا يُوثِقُ وَثَاقَهُ أَحَدٌ﴾

نتیجه ی فراموشی خداوند، رد شدن از حدود الهی ست که ثمرهای جز حسرت و خسراتی ابدی ندارد. مومنین نباید از فضای یادآوری و ذکر خدا در جامعه بترسند چراکه یادآوری و ذکر برای زنده ماندن حدود الهی لازم است . پس اگر حدی را تشخیص دادیم برای رعایت آن از مخاطب و از فضا نترسیم، از کسی جز خدا نترسیم. چون، روزی خواهد آمد که دیگر یادآوری ها فایده ای نخواهد داشت .

نداشته باشند. هر یک از ما باید سعی کنیم در بنیانگذاری فرهنگ زیارت و بهویژه «فرهنگ زیارت اربعین» نقشی هرچند کوچک را ایفا کنیم.

ما در این سفر می توانیم مهربان ترین لحظات عمر خود را تجربه کنیم. چه خوب است در این سفر مقدس «بی مهری» را بر خود حرام و «دلجویی و مهرورزی» را واجب کنیم.

در مسیر این پیاده روی، مردم (عراقی ها) دارند به رفتارهای ما نگاه می کنند. چه اشکالی دارد که چند کلمه صمیمانه عراقی یاد بگیریم و در برخورد با آنها بیان کنیم؟! این کار محبت ها را تقویت می کند. توجه داشته باشیم که فرهنگ کشورهای از هم بسیار متفاوت است. شاید در ایران اولین کاری که ما برای ابراز محبت انجام می دهیم، لبخند زدن باشد. ولی آنها اولین کاری که انجام می دهند، کلمات بسیار محبت آمیزی است که می گویند، ولی لبخند روی زبانشان نیست، لذا اگر معنای آن کلمات را ندانیم، ممکن است فکر کنیم که آنها هنوز ما را تحویل نگرفته اند. لازم است که در آخرالزمان

در این سفر به امام سجاد علیه السلام تاسی کنیم و هر خدمتی که ممکن است را برای زائرین انجام دهیم. خدمت به زائرین و همراهان، آثار و برکات عجیبی دارد و ثواب آن شاید از خود زیارت هم بیشتر باشد. امام خمینی (ره) وقتی به همراه دوستان به زیارت می رفتند خیلی زود از حرم به محل اقامت برمی گشتند و وسایل آسایش و پذیرایی از

همراهان خود را فراهم می کردند و می گفتند: «این کار ثوابش کمتر از زیارت نیست.» خدمت به زائرین اعم از خدمت مادی و معنوی بسیار ارزشمند است. سعی کنیم در این سفر در عین رعایت تمیزی، نظافت و ترویج آن زینت نکنیم و از تجمل بپرهیزیم.

ظاهراً ما ایرانی ها خیلی مقید هستیم برای زیارت حتماً دست به ضریح برسانیم و شاید بخواهیم به اندازه یک زیارت امین الله کامل هم کنار ضریح بایستیم. اینها تنقیداتی است که خودمان درست کرده ایم که در اوقات ازدحام انصافاً صحیح نیست؛ این را یک اصل بدانیم که «نباید کسی اذیت شود». البته معلوم است که اگر راه باز باشد، آدم جلوتر می رود. حتی در روایات آمده است وقتی برای زیارت می روید، اگر شلوغ بود و نتوانستید زیاد جلو بروید- مثلاً اگر در داخل صحن حرم هستید- همان جا را ضریح مطهره حساب بیاورید.

یکی دیگر از آداب این زیارت این است که انسان در مصرف خوراکی ها صرفه جویی کند و خوش خوراکی نکند، البته در آنجا پذیرایی در حدّ اعلی است و در مسیر پیاده روی اربعین، موبک دارها به خاطر محبت شان از زوار به خوبی پذیرایی می کنند. امام صادق علیه السلام در مسیر کربلا بودند و یک غذای خوش آب و رنگی برای حضرت آوردند، ایشان قبول نکردند و فرمودند: مگر چه خبر است؟ مگر داریم به عروسی می رویم؟ غذای عزادار بیاورید.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿يَا أَيَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً فَادْخُلِي فِي عِبَادِي. وَادْخُلِي جَنَّاتِي﴾

این آیه خطاب به کسی است که «ذی حجر» بوده است؛ معرفی عاقبت کسانی است که حواسشان هست خداوند در کمین است؛ آنها که اهل طغیان نیستند؛ آنها که برای خودشان شایسته قائل نیستند؛ آنها که دغدغه ی ایتم و مساکین را دارند؛ آنها که حب مال و دنیا در دفاع از حدود، سستشان نمیکند و شهوات دنیا حدود را برایشان کم رنگ نمی کند؛ در دفاع از حدود مایه می گذارند و از آبرو و مال و جان دریغ نمی کنند.

و این خطاب پروردگار به آنهاست: ای نفس مطمئن! نفسی که در نهایت ثبات و قرار است.

اگر دنبال آرامشی، آرامش در حفظ «حدود الهی» است. حتی اگر ظاهرش اضطراب و تحریم و تهدید و توهین باشد، دل آرام با دفاع از حدود بدست می آید.

به سپاه حسین نگاه کن که آرامش و اطمینان همه در سپاه اوست. هرچه ظهر عاشورا نزدیک تر میشود چهره ها آرام تر، بشاش تر و مصمم تر. آرام و قرار حقیقی در کربلاست؛ هرچند بی قراری هایش در عالم یگانه است! هرکس در عاشورا حسین را تنها گذاشت، بهانه اش قرار پیدا کردن بود، اما تا ابد مضطرب خواهد ماند! کربلا اتفاق افتاد تا من و تو حدود را رعایت کنیم!

بخواهیم از حضرت اباعبدالله علیه السلام که ما را در بی قراری های دنیا سر درگم رها نکند

و همچو او در اجرای حدود الهی ثابت قدم باشیم تا خطاب «ارجعی» را بشنویم... ان شاء الله.

آخرین کلمات اباعبدالله علیه السلام پیش از شهادت که در حقیقت مولای رزمندگان با خدای خود مبانی اصلی رضایت را آشکارا تبیین میکند تا هم قتلگاه کلاس رزمندگی باشد و هم رزمندگان رمز الحاقشان به حسین علیه السلام را بدانند:

«ای خدایی که مقامت بس بلند، غضب شدید، نیرویت بالاتر از هر نیرو، تو که از مخلوقات خویش مستغنی هستی و در کبریا و عظمت فراگیر، به آنچه بخواهی توانا، رحمتت به بندگانت نزدیک، وعده ات صادق، نعمتت شامل، امتحانت زیبا، به بندگانت که تو را بخوانند نزدیک هستی و بر آنچه آفریده ای احاطه داری و هرکس که از در توبه درآید پذیرایی، آنچه را که اراده کنی توانایی، آنچه را که بخواهی درک توانی کرد، کسی را که شکرگزار تو باشد شکرگزاری، یاد کننده ات را یادآوری، من تو را می خوانم که نیازمند تو هستم و به سوی تو روی آورم که درمانده تو هستم، ترسان به پیشگاهت فزع می کنم، غمگین در برابرت می گریم، از تو مدد می طلبم که ناتوانم، خود را به تو وامی گذارم که بسنده ای، خدایا! در میان ما و قوم ما داوری کن که آنان از راه مکر و حیله وارد شدند و دست از یاری ما برداشتند و ما را که فرزندان پیامبر و حبیب تو محمد صلی الله علیه و آله هستیم به قتل رسانیدند، پیامبری که به رسالت خویش انتخاب نموده و ما را و حیش قرار داده ای، ای خدا! ای مهربانترین! در حوادث، بر ما گشایش و در پیشامدها، بر ما خلاصی عنایت کن» (لهوف، ص ۱۱۰)

...

بخشی از وصیتنامه امام حسین علیه السلام خطاب به برادرش محمد حنفیه و کسانی که همراه ایشان به کربلا نیامدند:

«و من نه از روی خودخواهی و یا برای خوشگذرانی و نه برای فساد و ستمگری از مدینه خارج می کردم بلکه هدف من از این سفر امر به معروف و نهی از منکر و خواسته ام از این حرکت، اصلاح مفاسد امت و احیا و زنده کردن سنت و قانون جدم رسول خدا صلی الله علیه و آله و راه و رسم پدرم علی بن ابی طالب علیه السلام است. پس هرکس این حقیقت را از من بپذیرد (و از من پیروی کند) راه خدا را پذیرفته است و هرکس رد کند (و از من پیروی نکند) من با صبر و استقامت (راه خود را) در پیش

اسرار معنوی کربلائی شدن

پیاذره روی به سوی حرم امام حسین علیه السلام «پیاذره روی های تمرین ظهور» حضرت است و شهود بسیاری از مراتب عالی معنوی را برای انسان ممکن می کند. قرار گرفتن در سیل جمعیت حس برپایی صحرائی محشر را در انسان ایجاد می کند؛ با این تفاوت که در این مسیر، امام حسین علیه السلام دست انسان را گرفته است. هر یک قدمی که در این راه برداشته شود، بسیاری از آلودگی های روح نسان را با خود می شوید.

خداست. کسی که به زیارت امام حسین علیه السلام می رود باید نوع عرفان خود را محاسبه کند و مراقب باشد که یک وقت عرفانش از جنس عرفان های خصوصی و شخصی و بدون احساس مسئولیت نسبت به مظلومان نباشد؛ چرا که عرفان امام حسین علیه السلام از این جنس نبود. عرفان اباعبدالله علیه السلام از جنس عرفان جهاد و شهادت و احساس مسئولیت جهانی نسبت به مردم بود. ما به دنبال عرفانی از جنس عرفان امام حسین علیه السلام هستیم و می خواهیم فقدان نور دفاع مقدس را با این عرفان حسینی جبران کنیم.

اینکه چنین عرفانی را در زیارت کربلا به دست آوریم، بیشتر به خودمان بستگی دارد؛ باید خودمان قصد کنیم

آداب عجیبی برای این سفر نورانی برشمرده اند. کسی نزد امام صادق علیه السلام آمد و گفت: «وقتی که ما خارج می شویم تا به زیارت جد شما امام حسین علیه السلام برویم، آیا ما در حج به سر می بریم؟ آیا این کاری که انجام می دهیم، شبیه کاری است که برای حج انجام می دهیم؟ حضرت فرمود: بله؛ گفت: «آیا بر ما لازم است، هر چیزی که بر حاجی لازم است؟ حضرت پرسیدند: درباره چه مسائلی؟ گفت: از آن اموری که عموماً بر حاجی لازم است که رعایت کند؛ حضرت فرمودند: بله همین طور است و بعد هم مواردش را برشمردند و فرمودند: «خوب همراهی کردن و مهربان

بودن با همراهان بر تو لازم است. همچنین بر تو لازم است که حرف نرنی مگر حرف خوب و لازم. بر تو لازم است که ذکر خدا را زیاد بگویی، بر تو لازم است که لباس خوب و پاکیزه باشد. بر تو لازم است، نماز زیاد بخوانی و درود و صلوات بفرستی. و بر تو لازم است که چشمت را ببندی و اگر کسی حاجتی داشت، حاجتش را برآورده کنی و با برادران دینی خودت موااسات داشته باشی؛

«لزوم رعایت تقیه» یک راهبرد مهم در بین آداب زیارت کربلاست و این به معنی آنست حرفی که آرامش جمع را به هم بریزد زده نشود و افراد نسبت به یکدیگر خصومتی

آداب زیارت اربعین

